



«فاطمه؛ مشکاتی که در بر دارنده نبوت و ولایت است»

مفسران در تفسیر آیه «اللَّهُ تَوْرُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ مِثْلُ ثَوْرٍ كَمِشْكَاةٍ...» بیان می‌کنند که: «خداوند» مخزن نور، «پیامبر» مصباح عالم، «اهلبیت» چراغ هستی و «فاطمه» مشکاتی است که نبوت و ولایت را با تمام اوصافشان در بردارد.

مفسران در تفسیر آیه «اللَّهُ تَوْرُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ مِثْلُ ثَوْرٍ كَمِشْكَاةٍ...« بیان می‌کنند که: «خداوند« مخزن نور، «پیامبر« مصباح عالم، «اهلبیت« چراغ هستی و «فاطمه« مشکاتی است که نبوت و ولایت را با تمام اوصافشان در بردارد.

با توجه به فرا رسیدن سالروز ولادت حضرت زهرا(س) مرضیه سلام‌الله علیها، گروه آیین و اندیشه خبرگزاری فارس در ادامه سلسله نشست‌های خود در سال جاری به برگزاری نشستی با موضوع «بررسی عصمت و علم لدنی حضرت زهرا(س)« اقدام کرد. در این نشست که در مؤسسه علمی-فرهنگی دارالحديث قم برگزار شد؛ حجت‌الاسلام «امیرحسین ملک‌پور« محقق دانشنامه فاطمی و حجت‌الاسلام «حمید احمدی جلفایی« نویسنده کتاب صحیفه فاطمیه حضور داشتند که مشروح آن در پی می‌آید.

* آیا حضرت زهرا سلام‌الله علیها هنگام تولد دارای علم لدنی بودند؟ اگر قایل به علم لدنی ایشان باشیم، آیا دلایل متقنی برای ارائه داریم؟

– حجت‌الاسلام ملک‌پور: علم حضرت نه تنها از دوران کودکی، بلکه قبل از خلقت ایشان بوده است. در روایتی در کتاب «کافی« جلد 1 صفحه 460، کتاب «علل الشرایع« ص 179 به نام‌گذاری حضرت به نام «فاطمه« اشاره دارد. امام باقر علیه‌السلام روایتی می‌آورد که وقتی بی‌بی سلام‌الله علیها متولد شدند، خداوند یک ملکی را فرستاد (و اوحی الی الملك)؛ از این جمله بر می‌آید که نام‌گذاری حضرت زهرا با وحی الهی همراه بوده است. در ادامه روایت داریم که به ملک وحی می‌شود که زبان پیامبر را گویا کند، (فطماها فاطمه) نامش را فاطمه می‌گذارند که از زبان خداوند می‌فرماید: «إِنِّي فطمتك بالعلم و فطمتك عن الطمت«؛ من تو را با علم امتیاز دادم که از بقیه افراد جدا شود. «فطمتك« به معنای بریده شده، جدا شده و در اینجا به معنای «امتیاز داده شده« است.

علم فاطمه(س) در عالم میثاق به ایشان اعطا شده است

خداوند به حضرت زهرا سلام‌الله علیها به خاطر خیري که به ایشان داد، یک امتیازی داد و آن علمی است که به حضرت زهرا سلام‌الله علیها داده شد، به غیر از علمی که به حضرت آدم(ع)، موسی(ع) و نوح(ع) اعطا شد، این علم حضرت فاطمه، علم به خصوصی است که ما تعبیر می‌کنیم که حتماً «علم لدنی« است، علمی که حد و حدودش در برخی روایات بیان شده. این علم را به خاطر این به ایشان داد که از نجاسات ماهانه زانه پاک باشد، بعد امام باقر علیه‌السلام قسم می‌خورند که: «والله لقد فطمها الله تبارک و تعالی بالعلم و عن الطمت بالمیثاق«، خداوند این خانم را به واسطه علم و به خاطر طهارتی که به ایشان داد، امتیاز داد. در این روایت، عصمت حضرت سلام‌الله علیها در عالم میثاق هم برداشت می‌شود. علامه مجلسی از این روایت استفاده کرده که از کودکی به حضرت علم لدنی و عصمت دادند، اما امام باقر علیه‌السلام قسم می‌خورند، که این علم را به فاطمه مرضیه در عالم میثاق دادند.

عالمی که خداوند عهد و پیمان گرفته که گاهی ما یادمان هم نیست و قرآن در سوره «یس« تذکر می‌دهد: «أَلَمْ أَعْهَدْ إِلَيْكُمْ يَا بَنِي آدَمَ أَنْ لَا تَعْبُدُوا الشَّيْطَانَ إِنَّهُ لَكُمْ عَدُوٌّ مُبِينٌ«. خداوند تذکر می‌دهد: یادتان نیست که با شما عهد و پیمان بستیم که از شیطان متابعت نکنید، از من اطاعت کنید.

ارتباط مستقیمی بین برطرف شدن تب و توسل به حضرت زهرا(س) وجود دارد

پس این عهد و پیمان‌ها در عالمی که به آن «ذریه« گفته می‌شود. در روایت داریم، وقتی که حضرت آدم علیه‌السلام خلق شد، خداوند ذریه را به صورت ذره از صلبش درآورد و از آنها اقرار گرفت. «وَإِذْ أَخَذَ رَبُّكَ مِنْ بَنِي آدَمَ مِنْ ظُهُورِهِمْ ذُرِّيَّتَهُمْ وَأَشْهَدَهُمْ عَلَى أَنْفُسِهِمْ أَلَسْتُ بِرَبِّكُمْ قَالُوا بَلَى...«؛ یک عده زودتر گفتند، مانند پیامبر صلی‌الله علیه وآله وسلم و امیرالمؤمنین علیه‌السلام و

اولادش. بنابراین کسی نمی‌تواند بگوید، چرا آنها پیامبر شدند و ما نشدیم، چون که آنجا که باید اقرار می‌کردند، نکردند. بعد از آنها، انبیاء و شیعیانشان اقرار کردند، برخی دیگر اقرار نکردند و انکار کردند که آنها دشمنانشان بودند. منتها این عالم میثاق آن عالم نیست، بلکه پیش از عالم ذر است، چون حضرت زهرا علیها السلام و اهل بیت علیهم السلام يك خلقت نورانی داشتند و يك خلقت جسمانی. عالم ذر برای آن خلقت جسمانی بود که از صلب حضرت آدم علیها السلام ذره در می‌آورند و از آنها اقرار می‌گرفتند.

* ماجرای خلقت حضرت زهرا علیها السلام از میوه بهشتی چیست؟ آیا صحت دارد؟

حجت‌الاسلام ملک‌پور: در روایتی وجود دارد که در حد تواتر است. کلاً بعضی‌ها درباره میوه بهشتی می‌گویند، سبب یا گلابی یا خرما بوده است. نکته جالب اینکه هر سه میوه تبر است، «تب« آتشی از جهنم است و گاهی برای ترفیع درجه مؤمنین و یا کاستن از گناه گناهکاران بر فرد عارض می‌شود.

نکته قابل توجه اینکه دعای موجود در مفاتیح که تب را از بین می‌برد، مال حضرت زهرا علیها السلام است، یعنی يك ارتباط مستقیم بین تبر بودن و حضرت زهرا سلام‌الله علیها وجود دارد، حتی در يك روایت داریم که وقتی امام باقر علیها السلام تب می‌کردند، از مادرشان حضرت زهرا علیها السلام نام می‌بردند و آب را روی خودشان می‌ریختند و تب ایشان برطرف می‌شد. حتی دعای موجود در این زمینه در مفاتیح‌الجنان نیز از لسان حضرت زهرا(س) است. حضرت زهرا(س) 2 هزار سال پیش از خلقت جسمانی از طریق میوه بهشتی، خلقت نورانی داشته‌اند. البته این 2 هزار سال «عدد کثرت« است، یعنی یا سال شمسی یا هجری و ... تفاوت دارد.

علم حضرت زهرا(س) «ما لم یکن« و قبل از خلقت ایشان و در عالم میثاق بوده است

اینجا از روایت دیگری هم استفاده می‌کنیم. در رابطه با علم حضرت زهرا علیها السلام که حد و حصر ندارد و در رابطه با عصمت ایشان روایتی در صفحه 54 «عیون المعجزات« وجود دارد که عمار می‌گوید: علی بن ابی‌طالب علیها السلام را دیدم که بر فاطمه وارد شد، چون چشم فاطمه بر او افتاد، گفت: اجازه می‌دهی از گذشته و حال و آینده تا روز قیامت خبر دهم؟ عمار می‌گوید: سپس دیدم که امیرمؤمنان علیه السلام به عقب برگشت و به مسجد رفت و خدمت پیامبر صلی‌الله علیه وآله رسید، پیامبر فرمود: نزدیک بیا! یا ابا الحسن! چون نزدیک پیغمبر رسید، فرمود: تو می‌گویی یا من بگویم؟ حضرت امیر علیه السلام عرض کرد: حدیث شما و کلام شما بهتر است و آن گاه پیامبر جریان را بیان کرد. امیرالمؤمنین در ادامه از پیامبر سوال می‌کند: آیا زهرا از نور ماست، حضرت رسول می‌گویند: مگر نمی‌دانید از نور ماست؟! این در حالی است که حضرت علی علیه السلام می‌داند اما می‌خواهد پیامبر بگویند تا عمار هم بشنود و آیندگان از این حدیث بی‌نصیب نمانند.

بعد عمار می‌گوید: امیرالمؤمنین از مسجد خارج شد و من هم با او بیرون رفتم و بر فاطمه وارد شد و حضرت فاطمه(س) از آنچه علی(ع) به پیامبر(ص) گفته بود، خبر داد. بعد حضرت زهرا رضیه علیها السلام به امام علی علیه السلام خبر می‌دهد که: من نوری در عرش الهی بودم، خداوند را تقدیس و تسبیح می‌کردم، خداوند از نور من درختی نورانی خلق کرد که در شب معراج، وقتی پدرم به معراج رفت، به ایشان خطاب شد به صورت الهام که به این درخت نزدیک شو و میوه‌ای از آن تناول کن. وقتی پدرم از میوه آن درخت تناول کرد، من در صلبش قرار گرفتم. یعنی حضرت زهرا(س) مانند دیگر افراد و فرزندان آدم(ع) در صلب ایشان نبوده است. برخی از روایت استفاده می‌کنند که عالم حضرت زهرا سلام‌الله علیها، عالم ویژه و به خصوص به غیر از عالم ذر بوده است. یعنی: علم حضرت زهرا(س) «ما لم یکن« و قبل از خلقت ایشان و در عالم میثاق بوده است.

البته این احتمال است، فقط از این روایت برمی‌آید، برخی هم می‌گویند، نه چون از صلب پیامبر بوده، می‌توانیم بگوییم، خلقت در همان عالم ذر بوده، اما از این روایت استفاده می‌شود که ایشان عالم ذر به خصوصی داشته که وقتی از این میوه تناول می‌کند، نطفه حضرت زهرا علیها السلام در صلب پیامبر منعقد می‌شود. پس از این دو روایت معلوم می‌شود که علم حضرت قبل از خلقت ایشان بوده است.

* درباره عصمت حضرت زهرا(س) چه ادله‌ای برای ارایه وجود دارد؟

حجت‌الاسلام ملک‌پور: در باب عصمت بی‌بی دو عالم، به هر حال از آیه «إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا« چنین استنباط می‌شود که طهارت ایشان، يك طهارت خاص است. خداوند در عالم میثاق به ایشان می‌فرماید: من به تو امتیازی دادم به پاکي از دماء ثلاثه بانوان (حیض، نفاس و استحاضه). هر چند این روایت به نظر سنگین می‌آید، اما در حد تواتر است. ده‌ها روایت داریم که برای دختران انبیا مکروه است که حیض ببینند.

يك روایت علامه مجلسی در «بحارالانوار« جلد 43 صفحه 19 از کتاب «مصباح الانوار« نقل می‌کند که امام باقر علیه السلام فرمود: فاطمه زهرا چون از هرگونه پلیدی و گناه پاک بود، «طاهره« نامیده شد. هرگز فاطمه زهرا خون حیض و یا

خون نفاس ندید.

طهارت از هر رجس، از آلودگی‌های نسبی مانند نفاق، شرک، کفر که در نسب حضرت زهرا به هیچ وجه نبود. در يك كلام ایشان در هیچ يك از رذایل اخلاقی، آلودگی نداشت، به همین خاطر نامش را «طاهره« گذاشتند. حالشاید بگوییم دختران انبیاء هم اینچنین بودند، اما ایشان يك طهارت ویژه‌ای علاوه بر طهارت ظاهری هم دارد و حتي هنگام به دنیا آوردن فرزند نیز از آلودگی مبرا بودند.

حضرت زهرا(س) از نجاسات زنانه مبرا بوده است

يك روایت دیگر در کتاب «علل الشرایع« در صفحه 180، «معانی الاخبار« صفحه 364 موجود است که امیرالمؤمنین از پیامبر می‌پرسند: چرا حضرت زهرا(س) را «بتول« نامیدید؟ پیامبر(ص) فرمود: «البتول التي لم تر حمرة قط أي لم تحض، فإن الحيض مكروه في بنات الأنبياء«؛ بتول آن خانمی است که هیچ وقت حیض نمی‌بیند و حیض در دختران انبیاء مکروه است.

اما در روایت اول که از امام باقر خواندیم که فرمود «و الله...« - که سندش بسیار محکم است و در کتاب «کافی« نقل شده است - در عالم میثاق قبل از به دنیا آمدن جسم حضرت صدیقه کبری(س)، خداوند ایشان را از نجاسات ظاهری - که همه زن‌ها می‌بینند - پاک کرد. این بر عصمت ویژه حضرت زهرا سلام الله علیها دلالت می‌کند، به ویژه آنکه امام باقر علیه‌السلام بر اثبات آن قسم یاد می‌کند.

* با توجه به این موارد، به نظر می‌رسد که علم حضرت زهرا(س) به نوعی علمی بالاتر از علم لدنی بوده است. زیرا بیان کردید که این علم بالاتر از علم انبیاء است.

- حجت‌الاسلام ملک‌پور: علم لدنی، علمی است که خداوند داده و نمی‌توان گفت که بالاتر است. ضمن اینکه وقتی بیان می‌شود علم ایشان از انبیا بالاتر است، پیامبر اکرم صلی‌الله علیه وآله وسلم در این‌جا استثناء است. یعنی؛ در روایات دیگری ایشان و امیرالمؤمنین استثنا شده‌اند. اما این تعبیر علم «ما لم یکن« که به حضرت زهرا(س) اختصاص داده شده است در باره هیچ معصوم دیگری ندیده‌ام.

شیعه و سنی در اینکه حضرت زهرا(س) جزو اهل کساء بودند؛ اتفاق دارند

* در این صورت آیا مشکلی در کفو بودن حضرت زهرا(س) با امام علی(س) به وجود نمی‌آید؟

- حجت‌الاسلام ملک‌پور: خیر، زیرا می‌توان ثابت کرد که با دلایلی پیامبر(ص)، امیرالمؤمنین(ع) و اولادش از این دایره خارج می‌شوند. علامه امینی کتابی به نام «فاطمة الزهرا« دارد که در این کتاب ولایت مطلقه حضرت زهرا را اثبات کرده است. روایتی داریم که؛ پیامبر اکرم در شب زفاف آن حضرت، دست فاطمه را در دست علی گذارده و فرمودند: ای ابوالحسن! این ودیعه خداوند و ودیعه رسول او نزد توست. خدا را در نظر داشته باش و نیز علاقه مرا در مورد او در نظر داشته باش! همچنین پیامبر به امیرالمؤمنین وصایت دارد که دست فاطمه را در دستان علی قرار داده فرمودند «یا أبا الحسن ... هذه وديعة الله وودیعة رسوله محمد عندك، فاحفظ الله واحفظني فيها«؛ ای علی! فاطمه به خدا قسم امانت الهی و امانت رسول او نزد توست. با حفظ او خدا و رسولش را حفظ نما.

همین سخن دلیل کفو بودن از هر لحاظ، از لحاظ علم، عصمت و ولایت است.

البته همانطوری که بر زهرای اطهر واجب بود که ولایت امیرالمؤمنین را داشته باشد، بر امیرالمؤمنین نیز واجب بود ولایت فاطمه زهرا را داشته باشد، بنابراین وقتی بعد از ماجرای سقیفه به خانه آمد و دید که حضرت علی(ع) زانوی غم بغل کرده و مانند بچه‌ای در بغل مادر نشسته است، رو به ایشان فرمود: چرا اقدام نمی‌کنی؟! امیرالمؤمنین علیه‌السلام با اینکه از طرف پیامبر مأمور به صبر بود، با دستور حضرت زهرا قیام کرد، چرا که امر حضرت زهرا علیها‌السلام برای امیرالمؤمنین واجب اطاعت بود، امام بلند شد و قیام کرد که مؤذن اذان گفت و علی(ع) فرمود اگر می‌خواهی نام پدرت از مأذنه شنیده شود، باید صبری کنی که ایشان هم امر خود را برداشت.

- حجت‌الاسلام احمدی جلفایی: باید بین سه موضوع مرزبندی شود: در خصوص «علم«، «عصمت« و يك بحثی که ممکن است شبهه پیش بیاید، آیا ایشان مطابق علم و عصمت، «امامت« هم داشتند یا خیر؟ برخی شبهات که به ذهن خطور می‌کند از اختلاط این سه مرز است. علم سید نساء‌العالمین يك مبحث جداست، علم لدنی است که

ایشان داشته و روایت زیادی وجود دارد که به غیر از پیامبر(ص) علم ایشان از همه انبیا بالاتر بوده است. اما درباره عصمت و امامت ایشان، ممکن این شبهه ایجاد شود که از آنجایی که ایشان معصوم بوده‌اند پس امامت و رسالت دارند. این جاست که محققان مختلف در بعضی از روایات تصریح دارند به این مطلب که؛ موضوع «عصمت» و «امامت» رسالت دو موضوع جداگانه است و رابطه آن‌ها «عموم و خصوص مطلق» است. یعنی همه امامان ما باید معصوم باشند، کسی که رسالت و امامت برعهده‌اش است باید معصوم باشد و هر کسی که به آنها پناهنده شد، مطمئن باشد که بالاخره رستگار می‌شود.

قبل از اسلام هم بانوانی داشتیم که معصوم بودند، اما رسالت و امامت نداشتند، مانند حضرت مریم سلام‌الله علیها. حضرت فاطمه در تطهیر و عصمت با سایر ائمه مشارکت داشته، منتها باری از امامت بر دوش ایشان نبوده است. در اینجا جمعی از نویسندگان و محققان در کتاب‌هایی که دست‌چندم محسوب می‌شود، این قضیه را مطرح و عصمت را با امامت مقایسه کرده‌اند. به طور کلی دو دلیل بر عصمت حضرت زهرا علیهاالسلام مطرح شده و حدود پنج قرینه و شاهد نیز می‌توان بیان کرد.

یک دلیل مشهور «آیه تطهیر» است: **إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا** (آیه 33 سوره احزاب)، البته شأن نزول این آیه مربوط به ماجرای «کساء» است که پیامبر، اهل بیت خود را زیر کساء جمع کرد و بعد از ماجراهایی که پیش می‌آید، فرمود: **اللهم، هؤلاء اهل بیتی**، اینها اهل بیت من هستند و دعا فرمودند که خداوند اینها را از رجس و پلیدی مصون بدارد. خداوند سپس این آیه تطهیر را نازل فرمود.

اجمال قضیه این است که اولاً مفسران شیعه به اتفاق کلمه «رجس» را در اینجا «عدم‌العصمة» قلمداد کرده‌اند. بیشتر منابع اهل سنت و شیعه حضرت زهرا علیهاالسلام را جزو اصحاب کساء و از مصادیق این آیه شریفه ذکر کردند و با بیش از 20 طریق از جمله «انس بن مالک»، «ابوسعید»، «واصل بن عطاء»، «ام سلمه»، «عایشه» شهادت دادند که فاطمه زهرا علیهاالسلام جزو اهل کساء بودند و بعد از آن همه به طرق مختلف از سنی‌ها، از ابن عباس نقل شده که بارها پیامبر(ص) مقابل خانه حضرت زهرا علیهاالسلام ایشان را جزو اهل بیت معرفی کرده است.

روایت متعدد دیگری از شیعه و سنی است که کسی که از اهل بیت محسوب می‌شوند، به حکم آیه شریفه معصوم است و عصمتش هم ذاتی است. در تفسیر کلمه «رجس» هر گونه خطا و لغزش را گفته‌اند، حتی برخی از مکتب شیعه استفاده کردند که عدم عصمت از حضرت زهرا علیهاالسلام دور است. یعنی اگر عصمت نداشت، جزو کساء نبودند.

مهمترین دلیل عصمت سایر ائمه که فاطمه زهرا (س) در آن شریک است و ذریه ایشان تا امام زمان عجل‌الله تعالی فرجه‌الشریف در آن شراکت دارند، همین آیه تطهیر است. هم شیعه و سنی در تعیین مصداق این آیه، حضرت فاطمه زهرا علیهاالسلام را شریک می‌دانند.

راویان مختلف اهل سنت نقل کرده‌اند که بعد از نزول این آیه شریفه، پیامبر(ص) هر موقع که از خانه حضرت فاطمه زهرا علیهاالسلام عبور می‌کردند، صبر می‌کردند، رو به خانه حضرت می‌ایستادند و سلام می‌کردند و بعد این آیه شریفه را می‌خواندند: **إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا**.

آیه تطهیر و مقایسه حضرت زهرا با حضرت مریم، دو دلیل اصلی عصمت زهرا(س) است

دلیل دیگری که معصوم بودن فاطمه زهرا علیهاالسلام استفاده می‌شود، اینکه در برخی روایات وجود نازنین حضرت را با حضرت مریم (س) مقایسه می‌کنند، حضرت مریم مطابق قول مشهوری که هم در شیعه و سنی است، معصوم بودند. در این زمینه یک روایت از امام صادق علیه‌السلام در کتاب‌های زیادی از شیخ صدوق(ره) نقل شده و روایت جالبی است که حضرت زهرا را با حضرت مریم مقایسه می‌کند.

امام صادق(ع) می‌فرماید: حضرت فاطمه «محدثه» نامیده شده است، چرا که ملائکه از آسمان بر ایشان نازل می‌شدند. این روایت نیز دلیلی بر علم ویژه و عصمت ویژه حضرت است، چنانچه در قرآن کریم آمده است: **وَإِذْ قَالَتِ الْمَلَائِكَةُ يَا مَرْيَمُ إِنَّ اللَّهَ اصْطَفَاكِ وَطَهَّرَكِ وَاصْطَفَاكِ عَلَى نِسَاءِ الْعَالَمِينَ**.

در روایات آمده است: یا فاطمه، **إِنَّ اللَّهَ اصْطَفَاكِ وَطَهَّرَكِ وَاصْطَفَاكِ عَلَى نِسَاءِ الْعَالَمِينَ**؛ خداوند شما را برگزیده و مطهر کرده است شما را از همه نقص‌ها، شرور و عیب‌ها و گناهان و خطاها. خود فاطمه زهرا علیهاالسلام از گوینده پرسید که این آیه در مورد حضرت مریم علیهاالسلام است و ایشان «نساء‌العالمین» عنوان شده‌اند، جواب آمد که: «مریم کانت سیده نساء عالمها»؛ حضرت مریم(س) بین زنان زمان خودش، سید و سرور بوده است، و در ادامه روایت بیان می‌شود که خداوند متعال فاطمه زهرا علیهاالسلام را بین عموم زنان، از ابتدای عالم خلقت تا قیام قیامت برتری داده است.

برتری وجود نازنین فاطمه زهرا علیهاالسلام بر حضرت مریم در «علل الشرایع» جلد 1 صفحه 182 حدیث اول، «امالی» شیخ صدوق صفحه 176 و صفحه دهم «دلائل الامامة» نقل شده است.

حدود 6 قرینه یا شاهد برای برخورداری حضرت زهرا(س) از علم ویژه مطرح شده که در صورت تحلیل بیشتر شاید بتوان برخی از آنها را به عنوان دلیل نقلی مطرح کرد.

یک قرینه که می‌توان برای عصمت حضرت زهرا(س) نقل کرد، ماجرای «؛مباهله» است. سنی و شیعه به روایت مختلف نقل کردند که حضرت زهرا جزو شان بوده و با تعبیر «؛نساءنا» در قرآن کریم از ایشان یاد شده است. پیامبر همه جمع را اهل بیت خود معرفی کرده و مطابق با این آیه شریفه، حضرت زهرا(س) معصوم است.

یک روایت از امام علی علیه‌السلام در کتاب «؛عیون المعجزات» می‌فرماید: «؛نور فاطمة من نورنا»؛ نور زهرا، از نور ماست.

بعضی نویسندگان استفاده خیلی لطیفی از این روایت کردند و گفتند که در این روایت نمی‌فرماید که «؛نورنا من نور فاطمة» که یک وقت بفرماید، نور ما اهل بیت از نور حضرت زهرا است، گاهی ممکن است تاویل داشته باشد که امیرالمؤمنین که زاده حضرت نیست. منتها این روایت بر عکسش را روایت می‌کند. نور در مباحث عقیدتی و کلاً مباحث فلسفی و مباحث گسترده‌ای دارد که ماحصلش این است که همان علوم ویژه و عصمت ویژه است.

قرینه دوم در عصمت حضرت زهرا(س) کفو بودن با امام علی(ع) است

دلیل دیگر؛ کفو بودن امیرالمؤمنین علیه‌السلام با حضرت زهرا علیها‌السلام است. هم شیعه و هم سنی این نسبت کفویت را نقل کرده‌اند. این روایت، حدیث قدسی محسوب می‌شود که خداوند متعال تنها کفو امیرالمؤمنین علیه‌السلام را حضرت زهرا علیها‌السلام و تنها کفو حضرت زهرا را امیرالمؤمنین نقل می‌کند.

روایت دیگری که بعضی از نویسندگان از جمله مرحوم «؛علامه عسگری» از آن استفاده کرده‌اند «؛فاطمة بضعة مني» است. پیامبر صلی‌الله علیه و آله وسلم حضرت زهرا علیها‌السلام را قطعه‌ای از خودش، جزیی از خودش، به منزله قلب در جسد معرفی می‌کند. وقتی که یک مجموعه‌ای خودش معصوم باشد، قطعاً یک جزیی از آن هم به تبع از ویژگی‌هایش برخوردار می‌شود. در دسته چهارم روایات، اهل‌بیت علیهم‌السلام به عنوان «؛سفینه نوح» مطرح شده‌اند (مثل اهل بیتی، مثل سفینه نوح) که هر کسی وارد آن شود، نجات پیدا می‌کند و هر که جا بماند، غرق می‌شود.

در این کشتی معانی زیادی نهفته است و در واقع، حضرت زهرا علیها‌السلام ستونی برای این کشتی معرفی می‌شود. دسته‌ای از محققان از این روایت چنین برداشت می‌کنند که وجود نازنین فاطمه زهرا علیها‌السلام باید از یک عصمت ویژه‌ای برخوردار باشند تا برای تمام بیانات، سیره و رفتار ایشان یک چنین جایگاه ویژه‌ای را قایل شد.

در یک روایت دیگر رسول اکرم صلی‌الله علیه و آله وسلم می‌فرماید: «؛أَوَّلُ شَخْصٍ يَدْخُلُ الْجَنَّةَ فَاطِمَةُ». در «؛مناقب» ابن شهر آشوب آمده و جالب اینجاست که ذهبی در «؛میزان الاعتدال» - که جزو منابع اهل سنت است - این روایت را نقل کرده که نخستین شخصی که وارد بهشت می‌شود، حضرت فاطمه علیها‌السلام است.

در برخی روایات مراد از اولین شخص را اولین زن دانسته‌اند. حتی اگر این روایت را بپذیریم، به دلیل این که اعتقاد داریم برخی بانوان قبل از اسلام معصوم بودند و بر اساس این روایت، حضرت زهرا علیها‌السلام پیش از آنها وارد بهشت می‌شود، بنابراین این خود می‌تواند یک شاهد و قرینه‌ای برای برخورداری ایشان از یک عصمت ویژه باشد.

حضرت زهرا(س) مشکاتی است که هر دو نور نبوت و ولایت را دارد

* برخی مطرح می‌کنند که حضرت زهرا(س) دارای جایگاه «؛نبوت» است. چگونه می‌توان این موضوع را با توجه به خاتم‌النبیاء بودن پیامبر(ص) مطرح کرد؟

- حجت‌الاسلام ملک‌پور: امام خمینی(ره) در جایی به این مضمون می‌فرماید که؛ اگر بنا بود بعد از رسول‌الله - که خاتم‌الانبیاء است - باز هم پیامبری بیاید، آن پیامبر «؛زهرا» بود چرا که ملک به ایشان نازل می‌شد، همچنین طبق آیه «؛اللَّهُ تَوْرُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ مِثْلُ ثَوْرٍ كَمِشْكَاةٍ فِيهَا مِصْبَاحٌ الْمِصْبَاحُ فِي رُجَاةٍ الرَّجَاةُ» از سوره مبارکه نور، زهرا سلام‌الله علیها دارای نور نبوت و نور ولایت هستند.

در روایتی امام علی علیه‌السلام می‌فرماید: نور زهرا از نور ماست. اینکه دقیقاً «؛نور» در این روایت چه بوده است، ما نمی‌دانیم و گاهی به حالت معنوی و علم تعبیر شده است.

در کتاب «کافی» جلد 1 صفحه 195 - که از معتبرترین کتاب‌های شیعه است - و نیز تفسیر «قمی» جلد 2 صفحه 102، «مشکاة» را به «حضرت زهرا» تفسیر کرده‌اند.

«مشکاة» به ظرف شیشه‌ای می‌گویند که چراغ را داخل آن می‌گذاشتند. چیزی شبیه گرسوزهای قدیمی و یا چراغ‌های زنبوری. خداوند در این آیه مخزن نور معرفی شده است (اللَّهُ نُورُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ). «مصابح» به «پیامبر» تفسیر شده و تکتک اعضای چراغ به امیرالمؤمنین و اولادش تفسیر شده است تا اینکه به عبارت «يَهْدِي اللَّهُ لِنُورِهِ مَن يَشَاءُ» می‌رسد که به نور امام زمان تفسیر شده است و همه مفسران در این متفقند که خدا با نور امام زمان بشر را هدایت می‌کند. بنابراین مشکاة چیزی است که در بردارنده نبوت و ولایت با تمام اوصافش است.

در همین رابطه، روایتی از پیامبر(ص) وجود دارد که می‌فرماید: «من و علي يك نور بودیم که به صلب عبدالمطلب رسیدیم. سپس نور نبوت به عبدالله و نور ولایت به ابوطالب رفت» و سپس ادامه می‌دهد: «زهرا(س) هر دو نور را دارند».

مراد از جایگاه نبوی حضرت زهرا(س) پیامبری نیست، بلکه آن شأنیت و علم ویژه ایشان است

* قابل‌شدن نبوت و ولایت برای حضرت زهرا (س) نوعی از غلو یا الحاد نیست؟!

- حجت‌الاسلام ملک‌پور: حد و مرز مشخص شده است و چنین نیست که حضرت زهرا(س) از قدرت نبوت و ولایت خود استفاده کرده باشند و بنا هم نبوده که استفاده کنند. خاتم‌الانبیاء حضرت محمد(ص) است و قرار نیست بعد از ایشان پیامبر دیگری بیاید. ضمن اینکه حجت از ایشان ساقط شده است، زیرا در زمان حضورشان پیامبر بر ایشان نبوت داشته و پس از حضرت محمد(ص) نیز امیرالمؤمنین علی(ع) بر ایشان ولایت داشته است.

- حجت‌الاسلام احمدی جلفایی: برای غلو، محدوده‌هایی مشخص شده است و هنگامی که می‌گوییم حضرت زهرا(س) دارای نور نبوت و نور ولایت بودند بدین معناست که ایشان ظرفیت آن را داشته‌اند، یعنی يك نوعی از ویژگی که بالقوه بوده و نیازی نبوده است که به فعلیت برسد.

مراد از جایگاه نبوی حضرت زهرا(س) پیامبری نیست، زیرا محمد مصطفی(ص) خاتم‌الانبیاء است و قرار نیست بعد از ایشان پیامبری بیاید. بنابراین اگر در جایی روایتی در باره ماهیت نور، عقل و علم ائمه و حتی ماهیت بحث وحی صورت گرفته، مراد آن شأنیت و علم ویژه حضرت زهرا(س) است. ضمن اینکه ارتباط مخلوق با خالق درجات مختلفی دارد و الهام، القا و وحی با یکدیگر متفاوت هستند.

وقتی می‌گوییم حضرت فاطمه زهرا(س) از نور ویژه‌ای برخوردار هستند؛ اینطور نیست که بگوییم چون امامت و رسالت نداشتند، وظیفه تبلیغی هم نداشته‌اند. گاهی وقت‌ها پیامبر اکرم در برخی موضوعات مردم را به دخترشان فاطمه زهرا ارجاع می‌دادند، منتها ادله‌ای که به دست ما رسیده آن قدر نیست که بگوییم علم ایشان بالاتر از فرزندان‌شان بوده و اینکه در مقایسه با امیرالمؤمنین و پدرشان و انبیای گذشته چقدر بوده است. بشر عادی از فهم و درک این رتبه‌بندی عاجز است.